



۲۰۱۷/۰۱/۱۴



دوکتور صلاح الدین سعیدی

میگویند نظام فدرالی تجزیه نیست!

میلیون ها انسان و افغان در چهل سال اخیر در افغانستان و خارج از آن شهید، کشته، زخمی و نابود شد، خانه ها، باغ و باغچه خراب شد، عزتها پایمال گردید،

چایی پلو لیدلای نه وه اوس د جمرود په غابني ځي سرتور سرونه

اما عده هنوز هم تأکید دارند و تأکید داریم که تخلف نه شده و جنایت کار وجود ندارد و جنایت نه شده و نیستند. سهم اخلاقی، وجدانی، سیاسی و یا هم جزایی خویش را در آن نه تنها که نفیه میکنیم، برعکس به بر حق بودن خویش باور داریم.

خوشا به حال کسیکه عمل جرمی نه کرده و وجدان آرام دارد، اما همینکه ظلم و تعدی را دیده و ساکت مانده و یا برای آن کف زده متخلف و از لحاظ اخلاقی، ایمانی، وجدانی و سیاسی مسؤل است. تعجب میکنم بر پُر روی رهبر، عضوی بیروی سیاسی و قومندان جهادی ای که این همه را سازمان دهی، هدایت، رهبری و حتی در موارد اجراء کرده و همه میدانیم اما وی هنوز که هنوز است با پر روی مدعی است که هیچ چیزی خراب و بد نه کرده. مسخ همین است. کل گفت و احمق باور کرد.

پلیگون های پلچرخ و زنده به گور کردن ها و به دار زدن های خلاف تمام موازین انسانی و عدالت، به سر میخ زدن ها، به زور ولادت دادن ها، زنده حریق کردنها، رقص بسمل ها و سینه بریدن ها، به صورت دسته جمعی تیر باران کردنها، دشت لیلی ها، غصب زمینها و حتی کشیدن انگور و تاکها و حریق باغها، انفجار دادن انسانها به صورت دسته جمعی در چاه آهوی پنجشیر حین فرار، چاه پر کردن ها از انسانهای زنده، تصفیه های قومی دیروز و امروز، بی عدالتی ها در سیاست کادری، بلند بردن علاقرداری به ولایتها، چور کردن بانکها، تمسخر بر عدالت و همه و همه صورت گرفت و در منظر عام صورت گرفت و میگیرند و کسی آنرا اجرا کرده و مردم میدانند اما قهرمان ما و ما به روی خود نمی آوریم و منکر کل آن یم که عمل بد، شنیع، خلاف نورم، خلاف اخلاق، خلاف دین و خلاف انسانیت اجرا نه شده و یا ما اصلاً در آن هیچ نقش نداریم و هیچ نه کرده ایم.

علی الاقل به حیث عضو جامعه در همچو وضع به نحوی و لو با سکوت در برابر ظلم، مسؤلیت و سهم داریم. هستند عده که ساده لوحانه این همه اعمال را به نوعیت نظام تعلق داده و با ذکر این همه نابسامانی ها در نشست ها و میتنگ ها، به پیش کرد نظام فدرالی به زعم شان حلال همه مشاکل نموده و عده ساده لوحانه قبول دارند. عوامل قبولی دیگر هم است اما یک بخش شان به همین ارتباط دادن. مستدل ساخته میشود. چرانی یک فیصد و دو فیصد و گیریم ده فیصد نظام بهتر تأثر خود را دارد. میدانیم موتور موتور مرسدس بنس بهتر است اما نصب آن به بادی موتر والگا 1970 به از هم پاشیدن بادی موتر و نصب نظام فدرالی درین شرایط به از هم پاشیدن افغانستان میانجامد. این نظام همه چیز را گل و گلزار ساخته و حل کرده نمی تواند و آن اهداف مثبت در نظام فدرالی در نظام های دیگر نیز منطبق شده میتوانند.

همین حالا انفجار و انتحار را سازمان میدهند، انتحاری را تا محل حادثه برای بدست آوردن پول و یا بدست آوردن هدف سیاسی انتقال میدهند و آن دیگر در مقام دوم کشور حافظ امنیت من و حافظ قانون، اگر هیچ نی اقل در ملاء عام من را لت و کوب و به زندان شخصی زندانی ساخته، حقوق من را به صورت روشن تجاوز و تلف میکند و میکنند، بدی، جرم و جنایت را تمویل، اجرا و مفتی بوده اند. عملیکه در نتیجه با انکیزه و عامل خوب و یا بد در نتیجه به یقین انسان بی گناه کشته و زخمی شده و خانه و کاشانه انسان ها را خراب، سوخته و هنوز هم به تعبیر ابن تی... و ... خود را برائت داده و گمان میکنند که قول و تعبیر وی العیاذ بالله خط قرآن است. نه چنین نیست. این اشخاص بری نیستند و مواخذه خواهند شد. با وجود این عده تصور دارند همه چیز گل و گلزار است و ما گناه و تقصیر نداریم. این برداشت یک برداشت خطاء است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

بعضی ها حل این همه را در ایجاد نظام فدرال میدانند.

نه چنین نیست و خطا کرده اند. به یقین در صورت عمل خلاف و جرم که انتحار است، اگر رحمت الهی متوجه ما نه شود به وعده الله تعالی که کسی سبب قتل انسان بی گناه شده، جای فاعل، ممد، مفتی و مساعد این جنایت در جهنم به طور ابد است. جای در جهنم به طور ابد را کافر دارد. (من قتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها-الایه) و ها جناب مفتی من کجا گفته ام تو شخصاً رفته و انفجار و انتحار کردی؟

تو و فامیل و فرزندان در بهترین امکانات و نعمات دنیا مصروف و این فرزند آن بیوه و مجاهد شهید است که رفته در مدرسه تعلیم، علم و معرفت کسب کند اما تو برایش درس نفرت و تباهی دادی و روان کردی تا ازین دین رحمت و نجات عالم بشریت، دین نفرت، انتحار، انفجار و تباهی بسازد و برای جهان و جهانیان چهره من مسلمان را شخص، کودن، تروریست، جنایت کار و احمق معرفی بدارد.

حال جناب مفتی فدرالی به شما میگویم و بدون اخذ و کاپی قاموس های مشهور و بدون چار لغت که خود آنرا نمی دانیم چه گفت و شنونده را هم گیج کرده (مؤلفه، چلنج، معضل، تابو، تابو شکنی و....) و به این ترتیب بحث ساده را پیچیده کرده و استدلال میکنند که: این درخت و آن افتاب و آن کوه و در نتیجه نظام فدرالی خوب است. بابا چه گفتی؟ درخت و کوه و آفتاب را به نظام فدرالی چه؟

بلی ظلم قومی و سمتی بوده و حکام ظالم اول قدرت برای خود و خانواده و دوستان خود غصب کرده و در انتخابات ریاست جمهوری حتی از انویستگانیف ژورنالیزم (ژورنالیزم تحقیقات جنایی) و دهها مطلب و مفهوم که خود نیز به ابعاد آن پی نبرده و نمیبینند و بعد همه وعده های خوب و بد را فراموش کرده و صرف به تقسیم غنائم و تنازع للبقا مصروف اند و ملت به خاک و خون غلنیده، قوانین بد و حتی همین قانون اساسی لنگ و لاش را هم در هر قدم نقض کرده اند و شما استدلال میکنید که ببینید این نظام متمرکز کارا نیست و نظام فدرالی دوی هر درد است. نه این تاکید خفاء است. نه این هم نظام متمرکز نیست و این هم در ده ها مورد کاری خلاف کرده اند. این قانون اساسی و دهها قانون دیگر مرتبط به آن خطا اند، در قانون اساسی موجود توازن قوای ثلاثه که وظیفه چک و بالانس را دارد درین به نفع قوه اجرائیه به صورت غیر قابل قبول نقض شده، نقش احزاب سیاسی نفیه و سوال های مشروعیتی دارد. اما همین قانون هم که هست در ده ها مورد نقض شده و آنرا خود نیز میدانید.

مشروعیت پارلمان، مشروعیت این اداره و نتایج انتخابات و ثابت میسازد که نوعیت نظام درین مرحله مشکل اصلی نیست و من برایت دهها جانب مثبت حتی نظام تاریخ زده شاهی مشروطه را به سبک استدلال شما آورده میتوانم که نظام شاهی را بهتر معرفی کنم. اما جوانب دیگر دارد که ضرورت است تا آن جوانب مثبت را باید اولویت نداد تا برای کشور نظام شاهی مشروطه را سفارش کنیم. با وجود اینکه عده بی مضمون حتی همین را نیز میکنند.

چند مشخصه از بهترین نظام سیاسی برای یک جامعه و کشور

بهترین نظام آن نظام است که از اراده ملت مشروعیت خویش را گرفته باشد

فکر افراطی و یا - ساده خواهد گفت بهترین نظام، نظام الهی است. جواب: بلی و بدون شک برای من مسلمان. همین درست است و اما من به تاکید اول خود بخاطر تاکید دارم که در تاکید اول اراده ملت ایاس است و عملی میشود. اما در دوم بیشتر دنباله استدلال چنین است که: چند نخبه دین و امیر را مرجع انتخاب و اساس مشروعیت میدانند. در ایران امروز این مرجع انتصابی روحانی و شورای مصلحت نظام انتصاب شده است که همه، بلی همه مراجع انتخابی مردم و تصامیم آنها را به شمول موجودیت شان لغوه کرده میتوانند. من به اسلام و مسلمان بودن خود و اسلام ملت خود ایمان دارم و انتخاب مسلمان در چوکات اسلام است. عالم، نخبه دین در رهنمایی من سهم دارد، اما انتخاب و پاداش از انتخاب باید به من ملت تعلق داشته باشد. اگر الله تعالی خواسته باشد که بگوید: کن. در همان لحظه. فیکن است. اما آن ذات الهی درین دنیا و فرصت کوتاه من را عقل داد و پیامبر فرستاد تا انتخاب کنم و در چوکات آن جوابگو باشم.

بهترین نظام نظام ارزان، نزدیک به ملت تا تصامیم و اجراءات به فاصله کوتاه باشند و حاکمیت کنترول از اجرای دستاتیر داده شده داشته و سیاست کدری عادلانه و مدرن و در عصر حاضر تقسیم پوست های دولتی به پوست های سیاسی و مسلکی و

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

از بین برداشتن ادارات وسطی. دولتی تا اداره به ملت نزدیک. ساخته شود نیز بحث مهم است. اداره ای که عوض اشخاص قانون و حاکمیت کند و صرف شخص مجری قانون باشد نیز بحث مهم و جالب است و به کار گیری این همه روشهای. بهتر. دولتمداری. استدلال های مثبت نظام فدرال را به صفر ضرب میکنند. و اما فدرالی و قاتل بودن آن برای سلامت کشور ما: در فدرالی ادارات فدرالی و ادارات بخش های مذکور در محلات که مثلاً پارلمان فدرال و پارلمان محل، قضای فدرال و قضای محل، کابینه فدرال و کابینه محل و در حالیکه چنین ساختار ها به نحوی محدود هنوز هم وجود دارند. اما با فدرالی ساختار های آن و مصارف آن وسیع میشوند.

تصور کنید خدا ناخواسته نظام فدرالی در افغانستان ایجاد شد و آن مفتی فدرالی والی بدخشان شد و به آرمان خود رسید. درین شرایط بس ضعیف حاکمیت قانون مانند حال. مساله نظارت معمول بر انتخابات و نظارت بر مصارف در انتخابات و منابع آن صورت گرفته نمی تواند که تا حال نه گرفته و در موارد هم در شرایط فعلی ما ممکن نیست. درین صورت در ظرف یک دوره و یا حد اکثر. دو دور انتخابات افغانستان تجزیه است. چرا؟ در حوزه مربوط هرات باید با پول ایران و مواد مخدره زعماء و مسولین ایرانی به قدرت برسند و آن خطه به بسیار سادگی به ایران ملحق ساخته میشود.

مناطق مزارشریف به مصارف روسها و مواد مخدره به انها تعلق خواهد گرفت و مناطق مشرقی و جنوبی در آن پشتونستان مطابق برنامه پاکستان داخل خواهد شد. به این ترتیب ما زمانیکه تأکید داریم مفتیان فدرالی در افغانستان اجنتان دشمن و نوکران خارجی، پاکستان، ایران و روس اند از خود این مستندات و شواهد منطقی را دارد. من باور دارم که حتی عدۀ از مفتیان این حرکت فروخته نباشند و صادقانه این نظام را راه حل بی عدالتی های تاریخ و حالی میدانند اما در عمل در خدمت اهداف دشمن قرار گرفته و افغانستان را حد اقل به تجزیه و نفاق قومی و سمتی میبرند.

اینکه مجریان، مفتیان و مساعدت کننده های این اعمال و افکار خود را خادم ملت و اسلام بدانند و یا نه کار خودش شان است اما تمام شواهد، قراین و نتیجه عمل و اینکه خواست شان بود و یا نبود و نیست، مهم نیست، اما در دارالامان کابل، قندهار و هلمند سه روز یا چار روز قبل انسان بی گناه و مسلمان کشته شده و همینها کشتند که مفتی و مجری این اعمال و مساعدت کننده این اعمال جرمی و جنایی، غیر انسانی، شنیع هیچ و به صورت قطع مبرر شرعی ندارد و به عذاب الهی انشاء الله تعالی مبتلا و مواجه اند. مواخذه الهی که به صورت یقین آمدنی است و آن مواخذه بس سخت است. این را الله تعالی خود وعده کرده است. ان بطش ربیک لشدید. اینکه مفتیان نظام فدرالی برای افغانستان امروزی چه قصد دارند، آن. قصد به خود شان اما تمام محاسبات علمی نشان میدهد. که یکی. ازین تباعت ها و عواقب بد همان تجزیه افغانستان است.

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ